

# ابوالمعالی علی بن اسد

## اسطوره ای در تاریخ آزادیخواهی و آزاد اندیشی بدخشان

### خسرو زیباکیان

ابوالمعالی علی ابن اسد امیر بدخشان، یکی از فرزانه دانشمندان اسماعیلی بدخشان است، که نقش بزرگی را در زنده گانی شیعیان اسماعیلیه بدخشان اجرا کرده است. او سیاستمدار، فقیه، متکلم و ادیب توانایی بوده که چندین سال امارت مسقیل آنجا را داشته و بعد از او جانشینانش سالهای زیادی در بدخشان حکمرانی کرده اند و میخواستند الگوی از حکومت خلفای فاطمی مصر را در بدخشان عملی کنند.

علی ابن اسد با مقاومت بی نذیری در برابر ستمگران سلجوقی قرار میگیرد و از سرزمین مقدس خویش شجاعانه دفاع کرده و نبرد زنده گی را با افتخار به پایان میرساند. و خشنودی خدا و خلق خدا را در آنجا بدست می آورد.

او سراسر زنده گی اش در راه ترویج مذهب، تنویر افکار، تقویت ایمان و گسترش اندیشه های اخلاق دینی وقف شده، و با قامت بلند، چون کوه در برابر حوادث ایستاده گی کرده است.

دوره ای زنده گی این امیر فرزانه نشان میدهد که او سیاستمداری بوده، که مهارتهای گوناگون در زمینه های مختلف داشته و راه بیرون رفت و حل مشکل بحرانهای موجود اجتماعی آن زمان را یافته و عملی کرده، و آنچه منطقی بوده در جهت دستیابی آن تلاش کرده است.

امیر ابوالمعالی با ملاحظه بیداد و فاجعه که سلجوقیان براه انداخته بودند، امارت مستقیل خود را در بدخشان اساس میگذارد و بنیانگزار استقلال و آزادی شده و نهضت آزادیخواهی آنجا را پیشاهنگی میکند.

در سراسر تاریخ بدخشان در مجموع و در همه دوره های تاریخی اسماعیلیه ها آن مناطق شخصیتی باین ابعاد بزرگ معنوی و این ویژه گهای دولتمداری کمتر سراغ شده و شاید همانندی نداشته باشد.

دوره حیات امیر علی بن اسد از جهت های گوناگون دوران سرشار از حوادث مهم بود، دوره ای بردار کردن حسنگ وزیر دوره تعقیب و پیگرد ابو علی بن سینا، دوره ای میل داغ کردن رودکی و دوره راندن فردوسی از دربار غزنه و بالاخره دوره به آتش کشیدن و تاراج منزل ناصر خسرو و قتل عام های مختلف اسماعیلیان و نسل کشی آنها.

همه ای این رویدادها، در آینه ای تفکر اندیشمدانه آن امیر بزرگ ریشه کرد و جوانه گرفت و قابل هضم و درک شد و شور غروری عمیق برانگیخت که آزادی سرزمینش را ارمغان آورد.

این آزادی تحت زعامت خردمندان شخص که از متن جامعه برخواستند بود و آلام و درد های مردم خود را میدانست و ضرورت های جامعه را شناخته و حساسیت های آنرا درک میکرد، بدخشان را به مهد فرهنگ، اندیشه، آزادی های عقیدتی و اصلاحات اجتماعی با معیار های منطقی آن تبدیل کرد و هر گونه تفوق طلبی را مردود ساخت.

این امیر بزرگ بدخشان، در مرکز قدرت و فرمانروایی سیاسی و مذهبی خود، تعیض و تعصب را بر طرف، و فضای باز آزادی کامل شعایر مذهبی همه مذاهب اسلامی را ایجاد کرد.

" بن اسد " خود را تنها در حصار اندیشه اسماعیلی اش محدود نکرده، با برنامه شفاف زمینه فعالیت همه دگراندیشان را مساعد ساخته و با آغوش باز به سراغ همگرای، حفظ تنوع اندیشه های عقیدتی رفته و زمینه آفرینش های رنگارنگ مذهبی را فراخ ساخته بود.

دوره امارت علی بن اسد دوره فرهنگی سازی بدخشان دوره گسترش اخلاق انسانی، دوره کمک در امر بالندگی جوانه های دانش و خرد، و دوره ای است که بدخشان هزاران پناهنده ایرا که هر یکی جلوه های ارزشمند و درخشان هنر و ادب را در خود جای داده بود گردیده. و اسد به مشوره این طیف وسیع روشنفکران، از عهده رسالت شرافتمدانه امارت سرزمینش صادقانه سرفراز بدر آمد.

سالهای حکمرانی امیر بدخشان، مصارف بود با سرکوب جمعی اسماعیلیان در غور، غزنه و بعضی شهر های دیگر در چنین وضعیتی یگانه جزیره مستقیل بدخشان بود که دیگر شهرستانها بشمول ما ورا النهر همه زیر مجموعه این جزیره بوده اند. و مرکز فعالیتها در جنوب، بخش های گرم چشمه، دره قلات نواحی چترال، گلگیت، کنجوت و هنزا، کشمیر تا تراجمیر بوده و در شرق تا یارکند، خوقند، سرقول و کاشغر را در بر میگرفت و در شمال تا نواحی خوارزم، سمرقند و بخارا همه را تحت پوشش داشت و از امورات بلخ، غور و غزنه واریسی میکرد.

علی بن اسد امیر روشنفکر بدخشان، موسس نهضت آزاد خواهی بدخشان همشان و همتای حسن صباح یکی از چهره نامدار اسماعیلی است به اثر تلاش داعیان بدخشانی که همکاران خوبی امیر بودند، دامنه فعالیت و ترویج افکار اسماعیلیه در میان دو دولت سلجوقی و غزنوی آماده شده و بیشترین احکام در بار اعلالالدین حسین سلطان غور پیر و مذهب اسماعیلیه شدند. و به گفته عباس پرویز در کتاب تاریخ دیالمه و غزنویان سلطان غور را نیز به مذهب خود در آوردند.

امارت بدخشان که کارنامه فرزندان پاکباز آن بر تارک زمان میدرخشید، جایگاه نهضت آزادیخواهی، و ملی گرایی و مقاومت ملی در برابر حاکمان غزنوی و سلجوقی شده بود.

روی این اصل بدخشان بحیث پایتخت جزیره خراسان تبدیل شد. و امیر بدخشان مسول نظارت بر تمام امور خراسان پهناور گردید. از آن نگاه که امیر افزون بر کار های مضاعف دفاعی در بخش سازنده گی در عرصه های زیر ساختهای فرهنگ.... و به ویژه در امور دولرداری مصروف بود، کمتر به مسایل تبلیغ و ترویج مذهبی رسیده گی میتواندست.

همان بود که در جریان سالهای (441-445 ش) و (1052-1053م) حکیم دانشور فلیسوف بزرگ ناصر خسرو که به عنوان (حجت جزیره خراسان) در بخش امور مذهبی و روحانی مقرر شده بود، از راه دور به پایتخت جزیره خراسان یعنی (بدخشان) میرسد. و مورد استقبال گرم امیر بدخشان قرار گرفته و امیر حامی ناصر خسرو میشود و زمینه معیشت و کار های تبلیغی و دعوت او را فراهم میکنند.

حکیم ناصر خسرو در بدخشان با شخصیتهای مشهور و مبلغان نامدار اسماعیلیه آن سرزمین که یاران راستین امیر بودند چهره های چون ملک جهانشاه، خواجه بشیر، سید سهراب، بابا

حیدری، سید محمد مدنی، خواجه سلمان، احمد دیوانه، حمید الدین ضریری، شاه سید محمد محدث..... آشنا میشود و برای عملی کردن طرحهای خود با آنها تدابیر اتخاذ کرده و دستور های لازم میدهد.

دعوت روشنفکرانه حکیم فرزانه ما، که در بلخ زاد گاهش نتیجه مطلوبی نمیدهد و با مقاومت جاهلان و علمای ظاهری که طرفدار حاکمان سلجوقی بودن مواجه میشود. داروندار زنده گی اش تاراج گردیده و خانه اش به آتش کشیده میشود. اما در قلمرو امارت بدخشان که همفکران او در حاکمیت قرار دارند، از هر لحاظ آسوده خاطر است، او در قصیده زیبای مردم بدخشان را فرشتگان و مسولان آن جا را مومین میخوانند و خود را به نحوه ای فرمانروای شعبیان بدخشان خطاب میکنند:

دانی که چون شدم چون ز دیوان گریختم  
ناگاه با فرشتگان آشنا شدم

بر جان من چو نور امام زمان بتافت  
لیل السرار بودم و شمس الضحا شدم

از بهر دین زخاانه براندند مرا، مرا  
تا با رسول حق به هجرت سوا شدم

شکر آن خدای را که به یمگان ز فضل او  
بر جان و مال شعیت، فرمانرواشدم

تامیر مومینان جهان مرحبام گفت  
نزدیک مومینان ز در مرحبا شدم

حکیم فرزانه بلخ که در بدخشان مورد عزت و احترام مردم قرار گرفته بود امیر بدخشان نیز او را مورد عنایت قرار داده بود، ناصر از پیشآمد امیر بدخشان رضایت بسیار داشته در یکی از آثار خود درین خصوص مینویسد:

((امیر بدخشان که معروفست به عین الدوله ابوالمعالی علی بن اسد الحارث ایده الله بنصره که بیدار دل و هوشیار مغز و روشن خاطر و تیز فکرت و دوربین و باریک اندیش و صایب الرای و قوی حفظ و پاک ذهن و پسند خویست، آنکه دنیا به زخارف خویش روی بدو داشت و در گاه رفعیش به صدر ملک ملکی مقرر و بر ملک میراثی اسلاف خود مالک بود)).

### (جامع الحکمتن ناصر خسرو)

به خواهش و تقاضای علی بن اسد امیر بدخشان، حکیم ناصر خسرو کتاب مشهور خود جامع الحکمتین که پاسخهای است به پرسشهای کلامی مجموعه شعرهای ابوالهیثم جوزجانی شاعر اسماعیلی هموطن ما که در قرن چهارم میزیسته نگاشته است. ناصر درین اثر گهربار خویش موضوعات بسیاری را از جمله دلایل اثبات صانع، توحید، کمال خداند (ج) جنس و نوع، تفاوت میان مدرک و ادراک، نسبت میان جسم، نفس و عقل، معنای (من) تاثیر اجرام فلکی بر نفس و جسد انسان، انواع ابدیت..... را مورد بحث قرار داده و کتابش را به امیر بدخشان اهدا کرده است.

امیر بدخشان بارها با متفکران غیر اسماعیله در باب مسایل کلامی و فلسفی فعالانه به بحث پرداخته و مسایل چون آزادی و اختیار را مطرح کرده اند. و دلیل علاقه مندی امیر به نوشتن موضوعات پیرامون پاسخ به پرسشهای ابوالهیثم به وسیله ناصر خسرو شاید روی همین ضرورت مندیها بوده باشد.

سرزمین بدخشان، سرزمین فرهنگ، شعر، سرود و ترانه است، امیر آن نیز شاعر و نویسنده تواناست و در هر قالب و اوزان شعری طبع آزمایی کرده و در هر زمینه ای آن موفق بوده است.

نمونه از فراز های شعر او در خصوص ادب:

فخر دانان به دانش و ادبست

فخر نادان به جامه و سلسبت

ادب و دانش از ادیب کنون

خوارو در چند مورد با ادبست

ناکسان پیشگام و کامروا

فاضلان دور مانده و ین عجبست

سبب این همه نداند کس

جز همان کو مسیب سبب است

شخصیت فرهنگی امیر متشکل از بنیادی ترین غریزه درونی و فطری، تفکر اندیشه و جهان بینی اوست، که در جهت تحقق آن کار میکند، شیوه دولتمداری او نیز با رویکرد عقلانی او در جهت تامین کثرت گرای فکری فرایندی است که مورد توجه بوده، و آن بیانگر مشارکت همگانی، تساوی حقوق شهروندی همگرایی و همسوی اوراد ابعاد گوناگون نشان میدهد که میتواند به همه نسلها الگو باشد و از آن به حیث بهترین تجربه حکومتمداری استفاده کرد.

[www.esalat.org](http://www.esalat.org)